

آثار

ساسانی خلیج فارس

«جزیره قشم»

تعلیم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جواد بابک راد

(فوق لیسانسیه در باستانشناسی)



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آثار ساسانی خلیج فارس

(جزیره قشم)

تقدم :

بررسی و بازشناخت آثار
باستانی ایران بر اساس برنامه‌ای
منظم از سال ۱۳۴۴ در اداره کل
باستان‌شناسی طرح و در سطح
استان‌های مختلف پیاده شد و
آثار بسیار ارزنده و گرانبهایی
که تا کنون توسط هیأت‌های
ایرانی کشف و به ثبت فهرست
آثار باستانی رسیده نتایج
حاصله از این بررسی‌ها است :

بررسی آثار باستانی استان
ساحلی نیز در عداد کارهای عادی
اداره کل باستان‌شناسی بود که در
برنامه زمستان سال ۱۳۴۸
پیش‌بینی و بر مبنای همان طرح
یک هیأت شامل سه باستان‌شناس

جواد بابک راد

(فوق لیسانس در باستان‌شناسی)

ایرانی به استان ساحلی عزیمت کرد و باینکه به مقدار کافی و فراوان درزمینه شناخت آثار باستانی استان ساحلی و سیادت چند هزار ساله ایران به این خلیج زرخیز مدارک و مقالات متنوع در کتاب سمینار خلیج فارس جمع آوری شده بود مع الوصف استفاده از کتاب دیگری تحت عنوان خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه بندر عباسی هیأت اعزامی را به اهمیت این استان متوجه نمود، خوشبختانه در همین احوال انجمن آثار ملی که در طول عمر پنجاه ساله تأسیس خود در راه احیاء و مرمت آثار باستانی و بلاخص درزمینه نشر فرهنگ و ادب و تاریخ و وطن عزیزمان بدون تظاهر و دور از گرافه گوئی قدمهای مؤثر و بلندی برداشته است این بار به نشر کتاب ارزنده دیگری تحت عنوان آثار باستانی خلیج فارس مبادرت نمود که در نوع خود از گرانبهارترین نشریات عصر حاضر است و هیأت اعزامی با استفاده از اطلاعات ارزنده همین کتاب به بررسی آثار باستانی، حوزه خلیج فارس و دریای عمان و سواحل و بنادر مبادرت نمود.

اولین پایگاه تحقیق و بررسی مسا در جزیره قشم مستقر گردید که کار بررسی و گمانه زنی قسمتی از این جزیره قریب دو ماه بطول انجامید و بعلت پایان یافتن مدت مأموریت ادامه کار بسال ۱۳۴۹ موقوف گردید منتهی در همان فرصت هیأت موفق شد ۵ اثر ارزنده و گرانبهارا از دورانهای مختلف کشف نماید.

هیأت بررسی اعزامی سال ۱۳۴۹ در تعقیب تحقیقات باستان شناسی سال قبل کار بررسی و حفاری و گمانه زنی در جزیره قشم را بپایان رسانید و در این مدت ۲۷ اثر باستانی دیگر کشف شد که جمعا در جزیره قشم و در طول دو سال بررسی و گمانه زنی ۷۹ اثر باستانی توسط هیأت اعزامی باز شناخته شد و گزارشی که ذیلا بعرض علاقه مندان میرساند مربوط به سدهای تل بالا (Tale.Bala) و دم (Dam) در جزیره قشم است که با استفاده از مقدمه ای کوتاه

درزمینه موقعیت طبیعی و تاریخی و جغرافیائی جزیره قشم دوستداران را در جریان وقایع قرار میدهد .

جزیره قشم که در حقیقت یکی از بزرگترین جزایر متعلق بایران و نزدیک به کرانه آن در خلیج فارس است بطول تقریبی ۱۴۴ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر بوده شامل ۵۵ قریه است و بانضمام سه جزیره مهم دیگر نزدیک آن جمعاً ۳۲ هزار نفر جمعیت دارد که تنها در جزیره قشم ۲۶۵۰۰ نفر، هرمز ۳۵۰۰ نفر، لارک ۵۰۰ نفر، هنگام ۱۵۰۰ نفر زندگی میکنند .

هرتازه واردی بمحض ورود باسکله قشم قلعه معروف پرتقالیهارا جستجو میکند که ویرانه‌های آن در گوشه جنوب شرقی بخش قشم است و تا محل بخشداری نزدیک به ۳۰۰ متر فاصله دارد .

درباره جزیره قشم مورخین و جغرافی نویسان ایرانی و عرب و سیاحان اروپائی مطالبی درزمینه روستاها ، جمعیت ، محصولات ، صادرات ، تعداد نخل و مالیات و مسجدهای آن اطلاعاتی نوشته اند^۱ اما هیچیک به گذشته باستانی جزیره و آثاری که از دورانهای پیشین بجامانده است اشاره نکرده اند و بهمین لحاظ برای اکثریت نسل حاضر نام جزیره قشم مرادف باقاعه پرتقالیها است و از آن نظر که قلعه مورد بحث بادیدی عمیق و همه جانبه و دور از تعصب مورد بررسی قرار گرفته است عجبالتاً از ذکر جزئیات آن خودداری میشود و گزارش آن را به تفصیل در فصل دیگر بعرض خوانندگان گرامی خواهد رساند .

جزیره قشم یا بقول جغرافی نویسان^۲ جزیره الطویل که در حال حاضر شامل ۵۵ قریه است در روزگار گذشته^۳ حتی در عصر صفویه روستاهای

۱- تاریخ خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه به نقل از تاریخ روضه الصفا و مروج الذهب و معجم البلدان (سفرنامه ابن بطوطه صفحات ۶۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۳۵ - ۱۸۲) .

۲- صفحه ۱۱۶ کتاب خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه صفحه ۱۱۶ ، و سرزمین های خلافت شرقی تألیف استرنج صفحه ۲۸۲ و جغرافیای تاریخی بارتولد چاپ لنینگراد صفحه ۹۶ .

۳- مروج الذهب صفحه ۷۹ و روضه الصفا جلد هشتم صفحه ۱۱۵ ذیل وقایع عصر شاه عباس اول .

آباد و پرجمعیت آن بالغ بر ۱۰۰۰ آبادی بود که در این روستاها مردم بسیار ثروتمندی زندگی میکردند و از تمام مواهب يك زندگی مرفه برخوردار بوده‌اند و با استفاده از ثروت بیکران دریا و تجارت با دیگر ملل ساکن در حوزه خلیج فارس جزیره قشم را بصورت یکی از بازارهای بزرگ تجارتي در آورده بودند.

ویرانه‌های روستاهای بزرگی که در پهنه‌ای باندازه ۳×۵ کیلومتر وجود داشته و در حال حاضر در سکوتی ماتمزا مشرف به دریا قرار دارد خود دلیل بارزی به کثرت نفوس و وجود بازارهای تجارتي و مبادلات اقتصادی بزرگ در روزگار گذشته قشم است.

گذشته دوری که بیان شد برای اکثریت علاقمندان احتمالاً بعصر صفویه ختم خواهد شد در حالیکه عنوان گذشته از دیدگاه باستان شناسی به روزگاری دورتر و با شکوه‌تر تعلق دارد که در واقع عصر طلائی و عصر سروریهای عنصر ایرانی در روزگار ماها، هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان است که به پهنه وسیعی از جهان متمدن آن عصر حکومت میراندند و در قلمرو بیکران شاهنشاهی حتی در کشورهای غیر ایرانی به احداث پل، ترعه، کاخهای زیبا، جاده شاهی مبادرت میکردند.

دریاها، کوهساران، دشت‌ها، همه و همه برای اداره شاهنشاهی بزرگ ایران در حکم قرار گاهی بود که سیادت عنصر ایرانی را با شکوه شایسته به نژادها و مردمان غیر ایرانی انتقال میداد و در هر نقطه‌ای از جهان چه در دریا و چه در خشکی وجود چنین قرارگاهی مرکز اطمینان بخش برای ایجاد روستاها و بازارهای تجارتي بشمار میرفت، شهرهای آباد و پر جمعیت با تمام امکانات مادی و معنوی به وجود می‌آمد و طبعاً هر ناحیه‌ای که اهمیت نظامی آن افزون بود و سیادت شاهنشاهی ایرانی را بهتر تأمین میکرد توجه شاهنشاهان ایران بیشتر بآن ناحیه معطوف میگشت و در زمینه آبادی و پیشرفت آن اقدامات سریع و قاطعی صورت میگرفت.

یکی از مناطق حیاتی ایران در اعصار باشکوه تاریخی خلیج فارس است که در حقیقت به منزله مؤثرترین و حیاتی‌ترین عضو (قلب، مغز) برای دربار های ایران بشمار میرفت برهمنای همین نظریه تمام کوشش براین مدار استوار بود که خلیج فارس و جزایر آن از گزند دشمنان و اهریمنان محفوظ بماند و بهمین نظر قسمت عمده توجه ارتش ایران به خلیج فارس و جزایر آن معطوف بود.

جزایر خلیج فارس که در حقیقت پایگاه‌های بزرگ نیروی دریائی شاهنشاهی ایران در اعصار باشکوه است بوسیله ایرانیان میهن پرست چنان آباد و سرسبز گردید که بی شک بصورت بهشت آن روزگار جلوه مینمود. آریائیان اندیشمند پس از استقرار در جزیره قشم به کم‌آبی که بزرگترین خطر برای زیست و استقرار است برخورد نمودند؛ خطری که در نقاط دیگر هم بآن چیره شده بودند این بار نیز با آن روبرو گردیدند.

زنان و مردان باهمت و غیرتمند ایرانی بدون توجه به دشواریها و هراس از سختی‌ها دست‌بکار شدند و هنوز زمان درازی از اقامت آنها سپری نشده بود که مخازن بزرگ و آب‌بگیرهای متعدد در دل کوهساران حفر و برای استفاده آماده کردند. این کار عظیم شبیه اقدامی بود که بوسیله برادران همین مردم در نقاط دیگر ایران در حوزه دریاچه رضائیه در جزیره قرخلر و در بوکان قلابردینه و قلعه قمچی‌خای در حوزه بیجار باموفقیت انجام پذیرفت و آب‌بگیرهای بزرگی در جزیره قشم همچون مخزن عظیم خوش‌آب (بین درگاهان و رملکان) بر که-پیزکی (در حاشیه ارتفاعات حمیرا) و بر که کنیزکان بر روی ارتفاعات غربی قشم و بر که‌های کولقان (نزدیک بخش قشم) و بر که باغ محمد احمد شیخ (در بخش قشم) و مهمتر از همه مخزن بزرگ و خارقالعاده لاف‌ت که بالغ بر ۸۵ حلقه‌چاه در آن وجود دارد و مخزن عظیم خربس که همه آنها از یاد گارهای ارزنده عصر مادها و هخامنشیان است به وجود آمد.

جزیره قشم که تا آن زمان بوسیله گروههای کوچکی (آنهم در مناطق مرکزی حوزه گل ورمکان) اداره میشد از این تاریخ به بعد در قدرت عظیم و شگرف تازه واردان تحلیل رفت و آبادی و عمران قشم هم از این تاریخ به بعد است زیرا آریائیها که در زراعت و حفر قنات و کاریز و حشم داری و ساختن سد و پل و احداث اسکله مهارت کافی داشتند در راه آبادی جزیره قشم مشقات توان فرسایی تحمل کردند تا آنجا که به طبیعت سرکش پیروزی یافتند و جزیره خاموش و ساکت قشم را که قرنهای آرام به خلیج فارس نظاره میکرد به بزرگترین مرکز بازرگانی و نظامی تبدیل نمودند، شهرهای بزرگ با بنادر وسیع که ظرفیت کافی برای قبول و بارگیری کشتیهای نیروی دریایی هخامنشیان داشت به وجود آوردند تا آنجا که جزیره قشم را بصورت پل اطمینان بخشی برای تجارت شرق و غرب به جهانیان معرفی کردند.^۴

این مردم باهمت و آزاده که احتمالاً از کوهستانهای حوزه کرمان یسا فارس به جزایر خلیج فارس مهاجرت کردند با استفاده از کمکهای هادی و معنوی شاهان گرانقدر و ارتش شاهنشاهی در راه رفع دشواریها از هیچ مانعی نهراسیدند و بهترین گواه همت مردانه آنان وجود آبگیرها و مخازن آب است که بادست همان مردان در دل کوهساران حفر گشته و برای ادامه حیات مردان آینده و ارتش و نیروی دریایی بوجود آمده است^۵، آب باران که تا قبل از ورود آریائیها بطور بی امان و بنیان کن به دریا میریخت از این زمان به بعد در مخازن بزرگ نگهداری میشد و در هوقع مناسب بمصرف زراعت و باغهای جزیره قشم میرسید و همین امر موجب گردید که آبادیهای بزرگ بوجود آید.

در طول دوران باشکوه و پلانی هخامنشیان که شامل شاهنشاهی وسیعی

۴ - بقایای باستانی اسکله لافت، باسعیدو و حاشیه شمال شرقی بخش قشم گواه بر این امر می تواند باشد.

۵- مخازن عظیم لافت، خوشاب، باسعیدو، خربس قشم که بوسیله هیأت کشف و معرفی میگردد.

ازسند تاسواحل شمالی آفریقا و مدیترانه بود خلیج فارس درحقیقت مرکز بزرگترین نیروی دریائی هخامنشیان در جهان آن عصر بشمار میرفت و جزایر بزرگی چون قشم، لارک، هنگام، کیش، هرمز بعنوان مراکز قدرت عظیم دریانوردی شاهنشاهی هخامنشی بود که شاهراه های دریائی و تجارتنی و نظامی شرق و غرب را اداره میکرد.

سلسله شاهنشاهان هخامنشی که بیش از ۲۲۰ سال بقسمت عمده ای از دنیای متمدن آن عصر حکومت میراند درعین بکار بستن تدابیر خاص و اعمال دادگری و احترام به ملت ها و مردم غیر ایرانی فعالیت های مهم و شگرفی هم در زمینه سیادت بری و بحری شاهنشاهی ایران انجام داده بسود و بازوال آن شیرازه تمام سازمان های سیاسی و اداری کشور از هم گسیخت و باغروب آخرین ستاره این سلسله آشوب و بلوا بتمام ایالات شاهنشاهی سایه افکند.

نیروی بیگانه (یونانیان) که برای محو قدرت های ملی و محلی سرسختانه تلاش بخرج میداد قسمت عمده پایگاه های دریائی ایران را اشغال کرد و از آن نظر که این پایگاه ها برای ادامه حکومت یونانیان و تسلط به دریاها اطمینان بخش ترین مراکز نظامی بود اشغال آن درحقیقت بمنزله قطع تمام امیدهای ملی ایرانیان بشمار میرفت.

تسلط کوتاه یونانیان به جزایر خلیج فارس که آنهم برای تصرف هند مورد استفاده قرار گرفت ایرانیان غیرتمند را از غرور و سروری های گذشته جدا نکرد و بسا مرگ اسکندر و روی کار آمدن سلوکیان بساط مهاجمان ویرانگر نیز برچیده شد. و سلوکیان که روزگاری در حوزه ایران غربی و شرقی حکومت راندند در مراکز دریائی ایران (خلیج فارس) جز در چند

۶- اشاراتی که در کتاب دوم آریان *Anabases* در زمینه مراجعت نیروی دریائی یونان از هند است و متن کتیبه یونانی در این زمینه که درموزه کویت نگهداری میشود.

نقطه ۷^۷ برای مدت درازی باقی نماندند زیرا اثری که دال بر اقامت آنها در جزیره قشم باشد ملاحظه نگردید.

پس از مرگ اسکندر تیره‌ای از شاهزادگان ایرانی سرزمین پارت پرچم شاهنشاهی ایران را به دوش مردانسه کمانداران اشکانی سپرد تا بی‌امان و برق‌آسا به بیگانگان بتازد و این آزاده سواران تا آنجا عرصه را بسلو کیان تنگ کردند که قوای مهاجم ناچار بعقب نشینی بسوی غرب شد. بدیهی است در پیشاپیش این آزاد مردان، شاهنشاهی چون مهرداد اول و تیرداد اشکانی بردشمن می‌تاختند و سلو کیانرا بسوی دشت‌های بین‌النهرین و آسیای صغیر همی‌راندند و این تلاش تا آنجا ادامه یافت که بساط ارتش یونانیان و سلو کیان از شرق برجیده و پایگاه‌های دریائی ایران مجدداً بدست با کفایت شاهنشاهان پارتی سپرده شد^۸ اداره پایگاه‌های دریائی ایران در خلیج فارس و در عصر باشکوه اشکانیان بیش از ۴۸۴ سال طول کشید که روزگار اداره کشور را به ساسانیان سپرد.

بر اثر زوال سلسله پارت و روی کار آمدن ساسانیان صرف نظر از اینکه در سیاست داخلی و خارجی ایران تغییرات شگرفی رخ داد در نحوه اداره و استفاده از پایگاه‌های نیروی دریائی ایران (در خلیج فارس) دگرگونیهای ژرفی صورت گرفت.

ساسانیان که در ایجاد بناهای عظیم و کارهای باشکوه دست کمی از هخامنشیان نداشتند برای تسلط بتمام شرق و دستیابی به ثروت‌های بی‌کران و بازارهای تجارتي آن با اقدامات همه جانبه‌ای دست زدند و از این تاریخ

۷- کاوشهای هیأت علمی دانمارکی در حوزه فلیکا متعلق به کویت که اشیاء و کتیبه‌های آن مقارن سلطنت آنتیوخوس سوم است.

۸- آثار مربوط به عصر پارت‌ها در خربس که شامل سفال‌های خاص این دوره است و بالاخص مهرایه (میتراقوم) زیبایی که در دل کوهسار خربس کنده شده یادگاری از سکونت اقوام اشکانی در حوزه قشم است.

به بعد است که گروه‌های بزرگ از اقوام ساسانی بمرکز تجمع و پایگاه‌های دریائی ایران در خلیج فارس^۹ سرازیر شدند و تا شهرهای بزرگ و آبادی که در عصر ساسانیان بوجود آمده و در حال حاضر ویرانه‌هایی بیش نیستند (در سواحل جنوب شرقی و شمالی جزیره قشم و بخش بزرگی از جنوب که بزرگترین آن خربس، مسن، ریکوه، قلات کشتاران و برکه کنیزکان در حوزه جنوب غربی تیاب زینی و تیاب تنگ و خرابه‌های خرگو) و همچنین توسط همین قوم بزرگ و باهمت سدهای عظیمی چون تل‌بالاودم در حاشیه شمال شرق و شمالغرب جزیره قشم ساخته شده و مهمتر از همه ساختمان دژ عظیم بخش قشم است که بنای آن توسط اقوام ساسانی بوجود آمده که شرح آن در فصل بررسی قلعه قشم بعرض خواهد رسید.

در این زمان مراکز بزرگ دریائی ارتش ایران شامل لافت، خرگو، شیب-دراز، باسعیدو، قشم، خربس، ریکواست که جهازات نیروی دریائی ایران در این مراکز بزرگ لنگر می‌انداختند و از این پایگاه‌ها بتمام شرق و تا پشت دروازه‌های چین برپهنه شاهنشاهی ساسانی نظارت میکردند^{۱۰}

روزگار عمر این سلسله باشکوه را نیز به زوال کشاند و بانقض دولت ساسانی سروریهای بی حد ملت کهنسال ایران موقتاً روبه زوال نهاد، مهاجرت تیره‌های بزرگ ایرانی به نواحی امن در شرق و تخلیه موقت پایگاه‌های نیروی دریائی ایران در جزایر خلیج فارس یکی از پدیده‌های غم‌انگیز تاریخ سیاسی ایران در این روزگار است.^{۱۱}

ناامنی‌ها و نابسامانی‌هایی که به دنبال سقوط شاهنشاهی ساسانی در ارکان سیاسی و امنیتی کشور بوجود آمد عامل مهم مهاجرت‌ها و ویرانی‌های سالهای

۹- آثار شهرهای باستانی خلیج فارس از انتشارات انجمن آثار ملی صفحه ۷۰۴.

۱۰- وجود اسکله‌های لافت و شیب دراز و باسعیدو.

۱۱- آثار شهرهای باستانی خلیج فارس از انتشارات انجمن آثار ملی صفحه ۶۳ و ۶۴.

به‌دلی است ۱۲ که در تمام شئون فردی و اجتماعی ایران بعد از عصر ساسانی تأثیر گذاشت و طبعاً جزایر قشم که یکی از پایگاه‌های مهم سیادت دریائی ساسانیان و در شمار مراکز مهم تجارتنی و اقتصادی بود از گزند همگانی و مصیبت عمومی دور نماند و تیره‌های بزرگ ساکن در روستاها و شهرهای بزرگ قشم خان‌وهان خود را ترك و به مناطق امن‌تر مهاجرت کردند. سدهای بزرگ شکست و باغات و مزارع سرسبز خشک شد و از آن انبوه جمعیت در جزیره بهشتی قشم جز خانواری چند باقی نماند ۱۳.

این وضع تا عصر سلطنت سلسله‌های ایرانی ادامه داشت و بلحاظ توجه شاهان وقت در قرون ۳ و ۴ هجری قشم از نو رونق گرفت. در مرکز جزیره که از آب شیرین چاه استفاده می‌شود گروه‌های تازه‌ای به کار زراعت مشغول شدند و از این تاریخ بعد است که روستاهای تازه‌ای چون گورفرنگی، رهمان، جی‌چیان، توریان، زندیان، گربه‌دان، قلات سوزا و قشم از صورت قدیم خارج و محل سکونت تیره‌های بیشتری گردید و سفال‌های قرون ۳ و ۴ هجری که از سطح ویرانه‌های این مناطق بدست آمده معرف سکونت این اقوام در این زمان است. ۱۴

بموازات رونق روستاهای فوق شهرهای بزرگی چون خربس، ریکو، خرگو، سوزا، گل و حمیرا مجدداً از مراکز مهم تجارتنی گسردید و دریانوردان متاع و مال‌التجاره فراوانی به بازارهای قشم سرازیر کردند. در همان هنگام که قشم میرفت تا به آبادانی قبل از اسلام برسد زلزله‌های ویران‌کننده بدفعات بازمانده‌های مصیبت‌دیده قرون و اعصار را بابی‌رحمی

۱۲- لوح کوفی مورخ بسال ۲۴۴ هجری در مقبره کوشه که بسال ۱۳۴۵ توسط آقای اکبریان متصدی آموزش و پرورش به اداره فرهنگ کرمان فرستاده شده و در کتاب شهرهای باستانی خلیج فارس از انتشارات انجمن آثار ملی ذیل صفحه ۲۶۰ از آن اثر یاد شده است.

۱۳- معجم‌البلدان صفحه ۲۴۷.

۱۴- آثار شهرهای باستانی خلیج فارس از انتشارات انجمن آثار ملی تألیف آقای اقتداری صفحه ۵۸۸ و صفحه ۷۰۰ و صفحه ۱۱۷ کتاب خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه.

نابود میگرد و شاید ریکو، گل و حمیرا در این چنین ماتمی از صحنه روزگار نابود شدند.^{۱۵}

اواخر قرن ۷ هجری خربس، قلات، سوزا، دیرستان، لاف و قشم رونق خاصی یافت و مجدداً بصورت پایگاهی امن برای تجار و بازرگانان حوزه خلیج فارس گردید.^{۱۶} اما اوضاع ناآرام ایران در فاصله قرن ۷ تا دهم هجری^{۱۷} میدان را برای ترکتازیهای قبایل عرب حوزه جنوبی خلیج فارس باز گذاشت و مردم جزایر قشم سالها در عذاب بیدادگریهای قبایل قواسم^{۱۸} می سوختند و در انتظار فریادرسی بودند. شروع سلطنت خاندان صفویه جان تازه ای به ساکنان جزایر قشم دمید و به همت شاهان عالیقدر این خاندان یک سلسله اقدامات عمرانی عمیق صورت گرفت متأسفانه این عصر مقارن با دست اندازیهای استعمارگران اروپائی اقتصاد و بعثت گرفتاریهایی که دولت مرکزی با دولت عثمانی داشت جزایر قشم بتصرف پرتقالیها درآمد و مدتی هم دریانوردان خون آشام پرتغالی جزایر قشم را تاراج کردند^{۱۹} تا اینکه به همت شاه عباس کبیر فنگ پرتقالیها برای همیشه از دامن ایران زوده شد^{۲۰} و با اینکه در طول ۳۵۰ سال بعد قشم

۱۵- زلزله وحشتناکی بسال ۸۲۶ هجری جزایر وسواحل خلیج فارس را در هم کوبید و ویرانی فراوانی بارآورد (بارتولد ذیل صفحه ۹۶) و ایضاً بسالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۱۶ هجری قمری زلزلههای هولناکی واقع شد که قسمت عمدهای از دریای عمان و سواحل خلیج فارس را ویران کرد کتاب خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه ص ۱۲۹ .

۱۶- آثار شهرهای باستانی خلیج فارس از انتشارات انجمن آثار ملی تألیف آقای اقتداری صفحه ۶۹۹ .
۱۷- کتاب خلیج فارس تألیف شادروان سدیدالسلطنه بندرعباسی صفحه ۲۷۵ و ۶۵ .
۱۸- قواسم تیرههایی از قبایل بدوی عمان بودند که سالها در جزایر قشم به کشتار ساکنان وغارت اموالشان مشغول بودند که با کمک شاهان اول صفویه و همت شیخ محمد کمال جداعلای نحویها که دربند حاجی علی ساکن هستند بساط قواسم به دریا ریخته شد .

۱۹- بسال ۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ میلادی) جزایر هرمز به تصرف پرتغالیان درآمد .

۲۰- شاه عباس کبیر بسال ۱۰۳۱ هجری (۱۶۲۲ میلادی) پرتقالیها را شکست داد و از حوزه خلیج فارس بیرون راند .

فراز و نشیب زیادی بخود دید ۲۱ مع الوصف در حال حاضر جزایر قشم از مناطق خاص و مورد نظر شاهنشاه آریامهر است و یقیناً برنامه‌های عمرانی و اقتصادی عمیقی که در دست اقدام است در وضع عمومی قشم از نظر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی تحولات شگرف و استواری بوجود خواهد آورد.

بیان این مقدمه کوتاه شاید برای آشنائی کامل به وضع باستانی جزایر قشم کافی نباشد اما با معرفی آثار ارزنده باستانی آن امید فراوان میرود که نسل حاضر و باغیرت ایران به سروریهای دوران گذشته و اقدامات عمرانی و عمیقی که در راه اعتلای وطن عزیز مسان انجام پذیرفته است توجه ژرف معطوف فرمایند.

(سد خاکی - تل بالا)

درسه کیلومتری غرب بخش قشم و سرراه قشم در گاهان دره کم عمق و کوتاهی بنام کولقان وجود دارد که مورد توجه اینجانب قرار گرفت.

در این دره بالغ بر ۲۵ حلقه چاه کوچک و بزرگ هست که در بستر سیلاب حفر شده (واژه کولقان در اصطلاح مردم قشم و میناب بمحلی اطلاق میشود که دارای چاههای بزرگ و کوچک آب شیرین باشد)

در حاشیه غربی کولقان پشته کوتاهی وجود دارد که آثار ساختمانی و ویران شده فراوانی بر روی آن موجود است و احتیاج بگمانه زنیهای فراوانی دارد بهمین نظر از اظهار نظر صریح معذور است و امیدوار است که در فصل بررسی آینده باین عمل مبادرت ورزد.

در مقدمه یادآوری کوتاهی در زمینه خصوصیات ایرانیان عصر ماد و هخامنشی و پارت و ساسانی بعرض رساند و متذکر گردید که تازه واردان

۲۱- نادرشاه افشار بسال ۱۱۴۹ کلیه جزایر و سواحل خلیج فارس را از دشمنان پاک کرد و تحت اختیار خود درآورد.

متفکر ایرانی بمنظور تسلط به سر کشیهای طبیعت و بی آبی در جزیره قشم به چه تدابیری متوسل گردیدند که از آن جمله حفر چاههای بزرگ و آبگیرها و بر کههای عمیق است که جزیره خشک و غیر قابل زیست را به پایگاه بزرگ و باشکوهی تبدیل نمودند.

در جزیره قشم رویهمرفته ۲۰۰ بر که و چاه بزرگ و آبگیر در نقاط مختلف آن وجود دارد.

در کولقان و بر روی پشته شرقی سه بر که بزرگ حفر شده که کوچکترین آن به ابعاد $۴ \times ۳ \times ۵/۵$ متر و بزرگترین آن ۴×۱۲ متر است و بعلمت انباشته شدن کف آبگیر بزرگ عمق آن اندازه گیری نشد و مهمتر آنکه یک اصله درخت زیبای کنار (سدر) در داخل آن روئیده که قطع آن دور از سنت معمول است و باتوجه به آبگیرها و مخازن فراوانی که در حوزه آذربایجان غربی و کردستان بوسیله اینچانب کشف گردیده انتصاب این سه آب گیر و آبگیرها و چاههای این ناحیه (بالاخص) حوزه کولقان را به اقوام هزاره اول قبل از میلاد بی تردید میداند خاصه آنکه مقداری سفال مربوط به این عصر از لابلای ساختمانها و درحاشیه دره کولقان نیز بدست آمده است که صحت نظریه اینچانب را مسلم میدارد.

دره غربی کولقان در محل به تل بالا معروف است و در آنجا تعداد ۲۲ حلقه چاه بزرگ و کوچک حفر شده که درحاشیه شرقی و غربی دره و بخصوص در معبر سیلابها بوجود آمده است.

استفاده از آب باران در بین ملل و اقوام غیر ایرانی نیز رایج بوده و اینچانب ادعا نمیکند که این طریق استفاده از آب باران منحصرأ به ایرانیان عصر باستانی تعلق دارد اما آنچه مورد توجه است شیوه استفاده و نوع مخازن این اقوام است که تصور نمیرود در نقاط دیگر شبیه آن وجود داشته باشد و احتمالاً یکی از ابتکارات انحصاری ایرانیان عصر هزاره اول قبل از میلاد است.

دره کولقان در واقع نمونه خاصی از این نوع مخازن و آبگیرهاست که روزگار درازی بعد از مادها و هخامنشیان از مخازن آن استفاده میشد و پس از آن ساسانیان غیرتمند در دره نامبرده بکار بزرگتر و با عظمت تری دست زدند که در نوع خود از شاهکارهای خیره کننده در جزیره قشم است و با اینکه غیر از تل بالا در نقاط دیگر به احداث سدهای بزرگ توفیق یافتند مع الوصف سد خاکی تل بالا در شمار سدهای بزرگ و آثار ارزنده این اقوام در جزیره قشم بشمار میرود، ناگفته نماند که ساسانیان تنها در جزیره قشم به ساختن سدهای بزرگ اکتفا نکردند بلکه با احداث نظیر اینگونه سدها در حوزه غرب و شمال غرب ایران نیز مبادرت کردند و از جمله سد سنگی عظیم سراب نیلوفر در غرب کرمانشاه و سراب خضرزنده در شمال کرمانشاه و سد عظیم گول سردار را در ۴۰ کیلومتری شمال شرق بوکان برای استفاده های کشاورزی و باغداری بوجود آوردند.

طول سد خاکی تل بالا از شرق به غرب (در دهانه دره) بالغ بر ۴۵۰ متر است که قسمت وسط آن بر اثر سیلابهای تند و ویرانگر ویران شده است.

پهنای سد در کف دره قریب به ۵۰ متر و در بالا ۵ متر و ارتفاع خاکریز در حدود ۱۲ متر است.

در دهانه ویران شده سد (در قسمت وسط) آثار دو دیوار سنگی وجود دارد که انگیزه کنجکاو و توجه بیشتری به سد و نواحی اطراف آن گردید و پس از چند روز دقت و جمع آوری قطعات سفال گوشه ای از پایه سد در ناحیه غرب ملاحظه شد و پس از بررسی های لازم تصمیم بخاکبرداری پایه سد اتخاذ گردید.

در انجام این منظور گمانه ای به اندازه های ۱۵ × ۲۵ متر بر روی پایه غربی زده شد و عملیات خاکبرداری آغاز گشت. پس از چند روز سه جبهه جنوب و شمال و غرب سد نمایان گردید و از نظر صرفه جوئی در وقت و هزینه با استفاده

از این نتیجه حدود کار در نقاط مختلف سد محدودتر شد و بزودی پایه سد در جانب شرق آن هم ظاهر گشت که در عمق $3/5$ متری قرار داشت و به تخته سنگهای بزرگی متکی بود. در حاشیه شمال غربی و در پشت سد مخزن بزرگی وجود دارد که بعلت سیلابهای گذشته بمقدار زیادی آسیب دیده است و در روزگار گذشته آب دریاچه سد پس از عبور از نهری که در سمت جنوب غربی آن احداث کرده اند بدرون مخزن نامبرده راه می یافت.

پایه سد بر روی تخته سنگهای عظیم قرار گرفته و بوسیله شفته ای محکم (ملاط گل و گچ) و قلاوه سنگ بر فراز آنها استوار شده و شفته ریزی آن از عمق چهار متری انجام گرفته است.

ضمناً پایه سد از سنگهای تراش بسیار زیبا بر روی همین شفته نهاده شده است.

طول پایه سد - 3×10 متر و عرض آن بین ۲ و ۳ متر و ارتفاع آن به تفاوت از $1/5$ تا ۲ متر است.

ابعاد سنگهای تراش نیز تفاوت دارد بطوریکه بزرگترین آنها $20 \times 35 \times 90$ سانتی متر و کوچکترین آنها $20 \times 25 \times 45$ سانتی متر است و غیر از ملاط محکمی که سنگهای سد را بصورت توده یک پارچه در آورده است فواصل سنگها را نیز با مخلوطی از خاک و گچ بند کشی کرده اند و بجای خاک معمولی از خاک قرمز جزیره هرمز (گل اخری) استفاده شده که به زیبایی سد افزوده است.

دریچه زیبایی در وسط پایه با ابعاد 20×25 سانتی متر ساخته بودند که در موارد طغیان آبهای زیادتر از ظرفیت پشت پایه را بخارج هدایت مینمود و به عقیده اینجانب دریچه سنگی در این قسمت از پایه سد صرفاً بخاطر جلوگیری از شکست سد ایجاد شده است به این معنی که بمحض اینکه آب بیش از حد معمول در دریاچه پشت سد جمع میشد مقدار اضافی آب از روی

پایه سنگی بداخل دریاچه راه می‌یافت و در همین هنگام متصدیان مسئول بتخلیه دریاچه از طریق نهر شمال غربی اقدام می‌کردند و بدینوسیله آب اضافی از سد بیرون میریخت و در واقع ساختمان این دریاچه متناسب با ظرفیت سد و به میزان مقاومت پایه آن انجام یافته است و مهندسان سازنده باتوجه به محاسبات دقیق از نظر فشار سیلاب و مقاومت پایه و میزان ذخیره آب به ساختن این دریاچه که در واقع دریاچه خطر سد است از شکست سد جلوگیری می‌کردند و احتمالاً شکست سد تل‌بالارا باید مولود نبودن مسئول و محافظ سد دانست که یا بعلت ناامنی و آشوب و یا وجود سیلابهای بهاری و طغیانهای بنیان کن سد نامبرده ویران گردیده یا اینکه بر اثر زلزله سال ۸۲۶ هجری سد تل‌بالا شکست برداشته و از آن به بعد تا عصر صفویه غیر قابل استفاده بوده است.

فضای جنوبی دریاچه جلوسد به ابعاد 40×50 سانتیمتر است که دارای دوشیار در حد شرقی و غربی است که در مواقع لزوم با استفاده از تخته یا وسیله دیگر، مانع خروج آب پشت پایه میشده است.

پایه سد پس از ۹ متر بایک زاویه ۱۷۵ درجه از صورت مستقیم بیرون می‌آید و در جهت مشرق به سد خاکی می‌پیوندد.

در جبهه شمال و در خارج سد دو نهر وجود دارد که آبهای زائد جلوسد را بداخل آبگیر غربی میرساند و به این وسیله آب جلوسد بدیوار خاکی ریز سد خسارتی وارد نمی‌آورد.

رسوب فراوانی که در داخل دریاچه سد بر روی هم انباشته شده است حکایت از درازای زمان استفاده از سد می‌کند و شاید بیش از ۹ قرن از سد خاکی تل‌بالا بهره برداری نموده باشند.

طول دریاچه پشت سد بطور تقریبی ۹۵۰ متر و عرض آن بتفاوت بین ۱۲۰ - ۴۵۰ متر است.

پس از ویرانی سد در طول چند قرن توجهی بتجدید ساختمان آن نشد

و احتمالاً در قرن ۹-۸ هجری مردمانی در دو حاشیه شرقی و غربی دره تل بالا بر روی رسوبهای دریاچه تعدادی خانه ساخته‌اند و سفالهای فراوانی که در حال حاضر بر روی توده خاک رسوبی دیده میشود مربوط بزندگی همین مردم در آن زمان است و اعقاب همین مردم تا اوائل عصر صفویه در این محل زندگی میکرده‌اند.

در عصر صفویه سد تل بالا مجدداً مورد نظر قرار گرفت به منظور مهار سیلابها و استفاده مجدد از سد در دهانه ویران شده آن دو دیوار بعرض ۸۰ سانتیمتر ساختند که احتمالاً بین دو دیوار را از خاک انباشتند و بدین ترتیب آنرا برای استفاده آماده کرده‌اند و غیر از خاک ریزی وسط قسمت‌هایی از پایه سد راهم مجدداً تعمیر و بند کشی نموده‌اند که نوع بند کشی عصر صفویه با آنچه قبلاً توسط بانیان اولیه انجام شده بود تفاوت بسیار دارد:

تعمیرات پایه سد در حد شرقی نیز مربوط باین عصر است (تصاویر شماره-

۱ تا ۶)

متأسفانه تمام کوششی که برای احیاء سد و استفاده از آن بعمل آورده‌اند بی نتیجه ماند زیرا نوع تعمیرات و نوسازی عصر صفویه متناسب با سیلابهای بی‌امان حوزه قشم نبود و شاید معماران عصر صفویه در محاسبات خود از نظر میزان طبیعی آب سد و فشار سیلابها و مقاومت تقریبی سد دچار اشتباه شده‌اند که کوشش آنها به نتیجه نرسید و در نتیجه سد برای همیشه ویران و غیر قابل استفاده ماند.

(سد دم)

یک سلسله ارتفاع که از لایه‌های فشرده رسوبی است سر تا سر جزیره قشم را از شرق به غرب پوشانده و در دامنه‌های شمالی و جنوبی همین سلسله ارتفاعات روستاهای آباد قشم در گذشته و حال بوجود آمده است.



شکل ۱ - نمایش سده «تل بالا» در جزیره قشم که در جریان سیل آبهای بهاری ویران شده و محل حفاری درعکس دیده میشود (عکس از نگارنده)



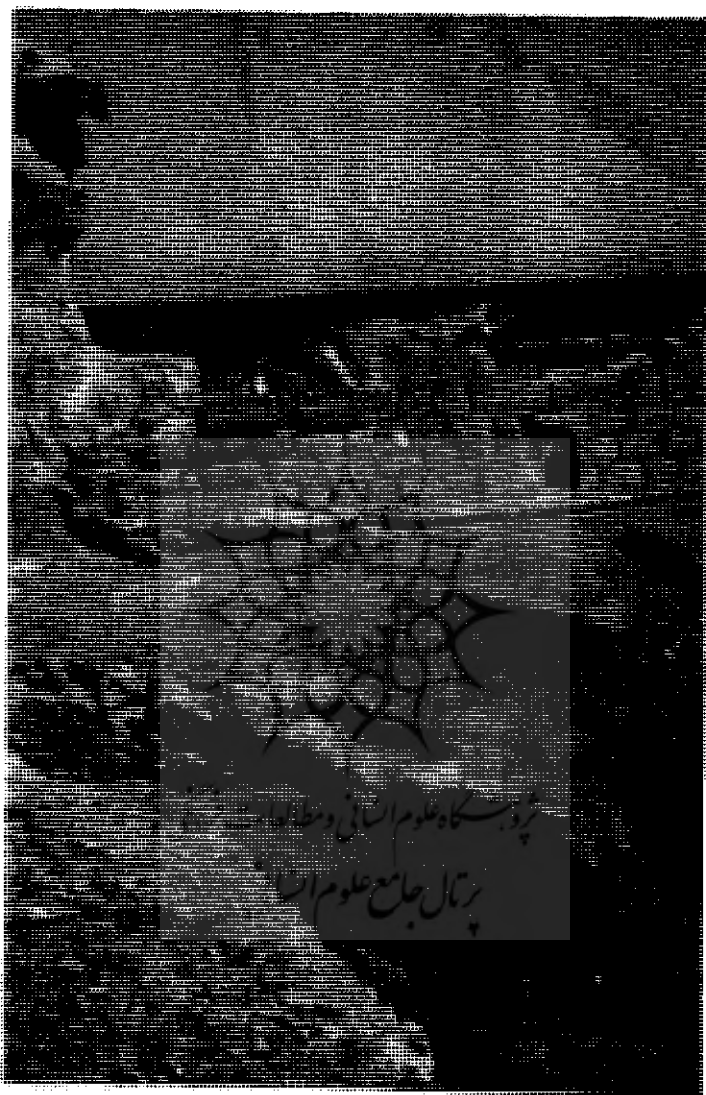
شکل ۲ - سد «تل بالا» جزیره قشم محل حفاری پایه سنگی آن

(عکس از نگارنده)

(۱۹)

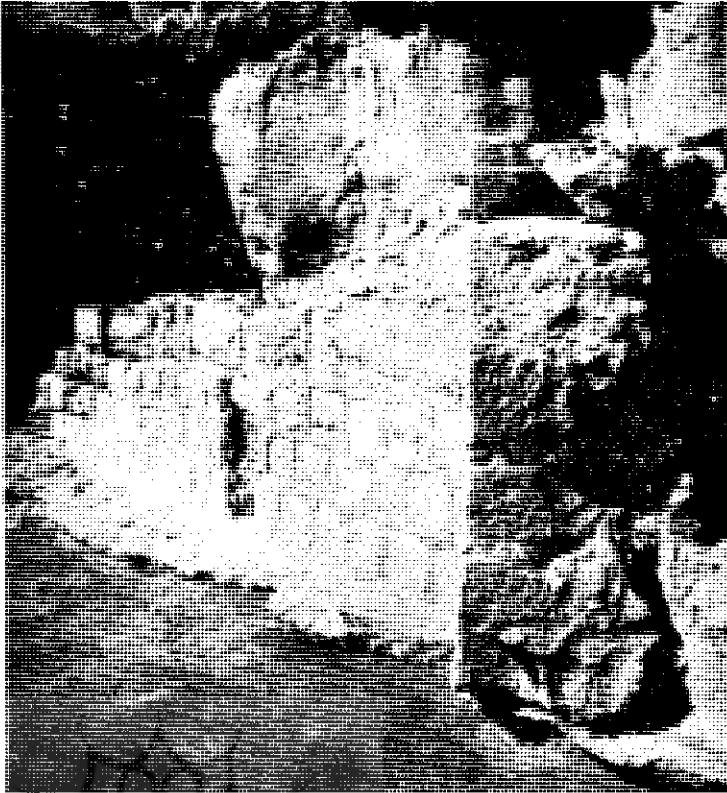


شکل ۳- پایه سنگی سد (تل بالا) پس از حفاری (عکس از نگارنده)



شکل ۴- نمایش کانال غربی سد تل بالا (عکس از نگارنده)

شکل ۵ - پایه سد تل بالا (جزیره
قشم) از سوی خاور
(عکس از نگارنده)



شکل ۶ - نمایش سنگهای بکاررفته
در پایه سنگی سد تل بالا «جزیره
قشم» (عکس از نگارنده)



در آبریز شمالی این سلسله ارتفاع برید گیهای بسیاری وجود دارد که آبهای حاصله از بارانهای موسمی را در دو جنبه (شمال و جنوب) بدریا میریزد. اولین بریدگی در حاشیه غربی و به فاصله ۳ کیلومتر مرکز بخش قشم و به نام دره کولقن است که شرح آن را به تفصیل بعرض رسانید. دومین بریدگی در جنوب قریه گیاهدان است که در عصر صفویه سدی در دهانه آن احداث کرده اند. اما سد بعامل عدم رعایت جنبه های فنی ویران شده و از آن تاریخ ببعده تعمیر یا ترمیم نگردیده است این سد ویران را در محل بنام سد درهاش میخوانند. بریدگی سوم در غرب قریه پی پشت (Payposht) قرار دارد که تا لافت ۱۵ کیلومتر فاصله دارد. در این بریدگی مردمان عصر ساسانی به ساختن سدی مبادرت کرده اند که در نوع خود از سدهای بسیار زیبا و درعین حال استوار بوده که سرتاسر پایه و دیوارهای اصلی آن هنوز بجا مانده است.

مصالح سد از سنگ های تراش و با ملاحظ خاص عصر ساسانی (گل و گچ) است که مانند تمام آثار عظیم عصر ساسانی تا کنون در برابر سیلابهای تند و بنیان کن بهمان استحکام باقیمانده است و با اینکه در دوره های بعد (عصر صفویه) بمنظور استفاده مجدد از سد دم الحاقاتی بآن اضافه کرده اند اینگونه الحاقات هیچگاه در برابر فشار و سیلابها مقاومت نکرده و تمام آنها و همچنین تعمیرات بعدی ویران گردیده است و در حال حاضر فقط پایه ها و دیوار استوار سد و مجرای خروج آب که از داخل لایه های ضخیم سنگی حفر شده است یا برجا مانده است احتمالاً شکست سد دم هم بر اثر زلزله سال ۸۲۶ هجری اتفاق افتاده است.

مصالح سد از سنگ های رودخانه ای تأمین شده که با مهارت آنها را تراشیده اند.

معماران سد دم بمنظور استحکام بیشتر و یا بر مبنای محاسبات خود

پایه‌های آنرا از عمق ۱۰ متری شروع نموده و با استفاده از ملاط گل‌اختری و گچ و قلموه سنگ‌سد نامبرده را در مقابل سیلابهای عظیم و بنیان کن این نواحی استوار ساخته‌اند.

سد دم از نوع سدهای قوسی بوده از جنای آن در جانب شمال است و احتمالاً جبهه جنوبی آن پله پله‌ای است که مقاومت آنرا در مقابل فشار حاصله از آب تضمین مینماید.

در جبهه شمالی دو پایه عظیم که از کف تا رویه سد بالا آمده است در دو جبهه شرق و غرب ساخته‌اند و قوس سد در جبهه شمالی و در فاصله دو پایه است که زیبایی خاصی بآن میبخشد.

طول سد از شرق به غرب ۲۵ متر است و آبریزی در وسط آن (تقریباً در ارتفاع) ۱۱ متر و عرض یک متر و بلندی ۶۰ سانتیمتر و طول ۱/۸۰ تعبیه شده است که آب‌های زائد را بخارج سد هدایت مینمود.

ضخامت سد از کف بعلت اینسکه جبهه جنوبی انباشته از رسوب شده است قابل اندازه گیری نیست اما در بالا بیش از ۵ متر است، ارتفاع سد از کف (در جانب شمال) ۱۰ متر است.

مجرای دیگری در حد شرقی است که از ارتفاع ۱۰ متری سد از جنوب بشمال شرق و در داخل سنگ کنده شده و این مجرا بطول تقریبی ۸۰ متر بوده قسمت عمده آن سر پوشیده است و از لایه طبیعی کوه می‌گذرد.

طول دریاچه پشت سد ۱۵۰۰ متر و عرض باریکترین قسمت آن ۲۵ متر و پهن‌ترین بخش آن بالغ بر ۷۰۰ متر است.

باغهای فراوانی در حاشیه شمالی سد واقع بود که در حال حاضر ویران شده آثار آنها بصورت توده‌های مجزا از هم در وسعتی که انتهای آن به سواحل دریا میرسد هنوز بچشم میخورد.

دیوار باغها و جوی‌های پهن آنها با مخزنهای کوچک که با اصول صحیح ساخته شده و مخصوص تقسیم آب است در نقاط مختلف و در دو طرف کشتزارهای قریه‌پی پشت (از جانب شرق و غرب) خشک و خاموش در معرض تماشای رهگذران قرار دارد.

سدم پس از ویرانی قرن‌ها بدون استفاده ماند تا اینکه در عصر صفویه بهمان شیوه‌ای که در نقاط دیگر سدها و آبگیرها تعمیر و ترمیم یافت سد دم هم مورد توجه قرار گرفت و پایه شرقی آن که در واقع شیر اطمینان سد بشمار می‌رود با دیوار کوتاهی که بآن اتصال دارد از یاد گارهای تعمیر سد در این زمان است متأسفانه اینگونه چاره‌جوئی‌ها و تعمیرات برای مهار سیلابها مفید نیفتاده و پس از زمانی کوتاه سد ویران گشته است و در حال حاضر بقایای این سد عظیم و باشکوه در دره دم بخلیج فارس مشرف است.

تصاویر شماره (از ۷ تا ۱۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



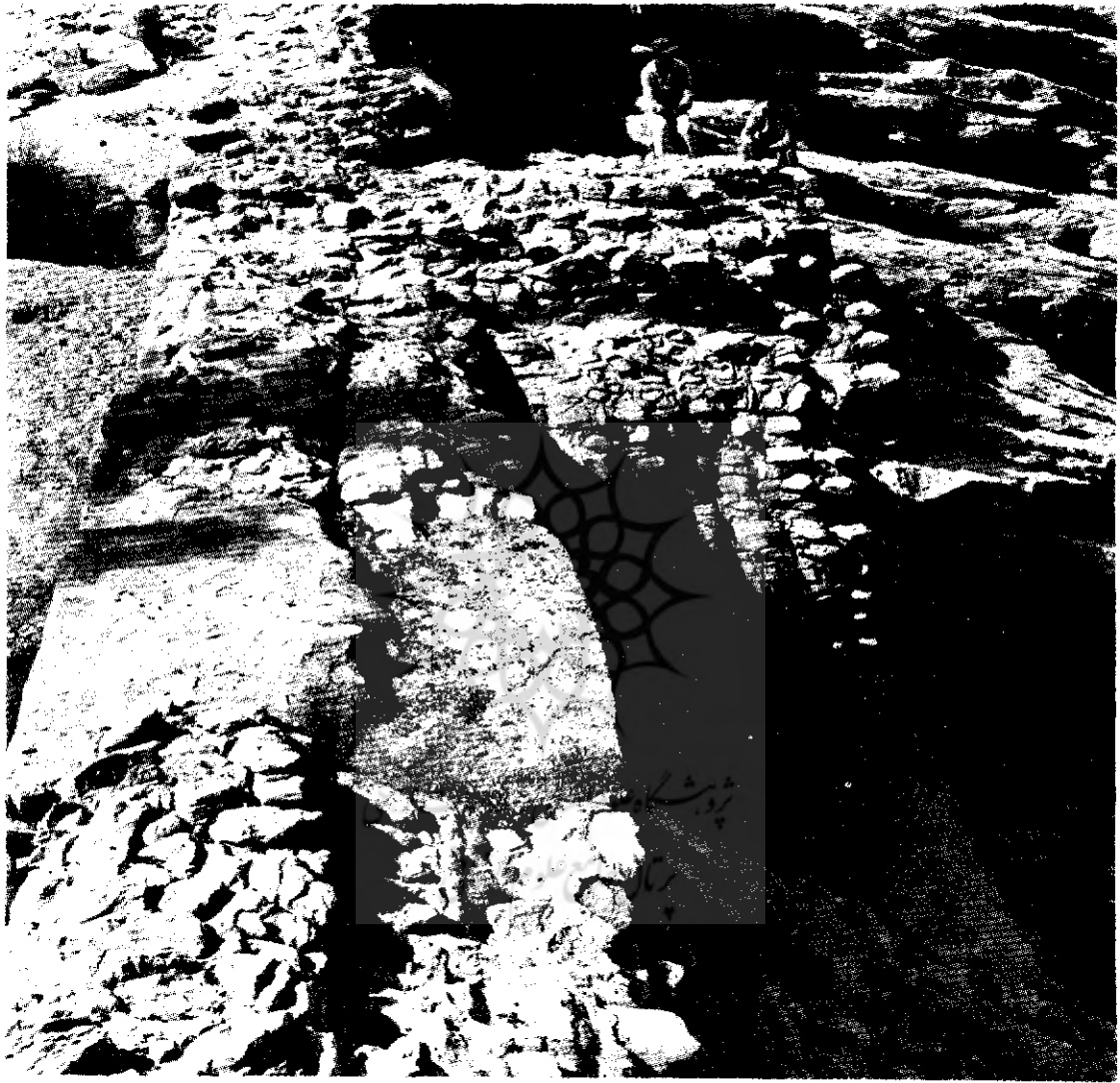
شکل ۷- بریدگی طبیعی سد دم (Dam) در حاشیه غربی پی پشت Payposht که سد عظیم دم در دهانه شمالی آن در جزیره قشم (عکس از نگارنده)



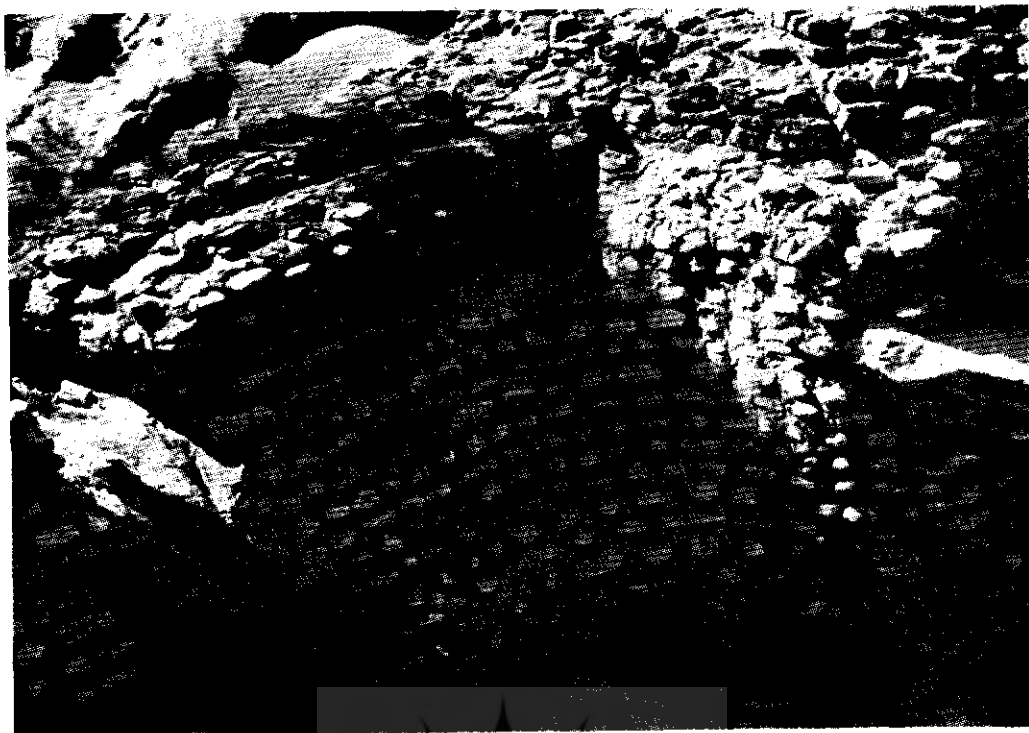
شکل ۸- نمایش دیوار سد دم از جانب شمال و آبریز آن (عکس از نگارنده)



شکل ۹- دیوار عظیم « سد دم » جزیره قشم (عکس از نگارنده)



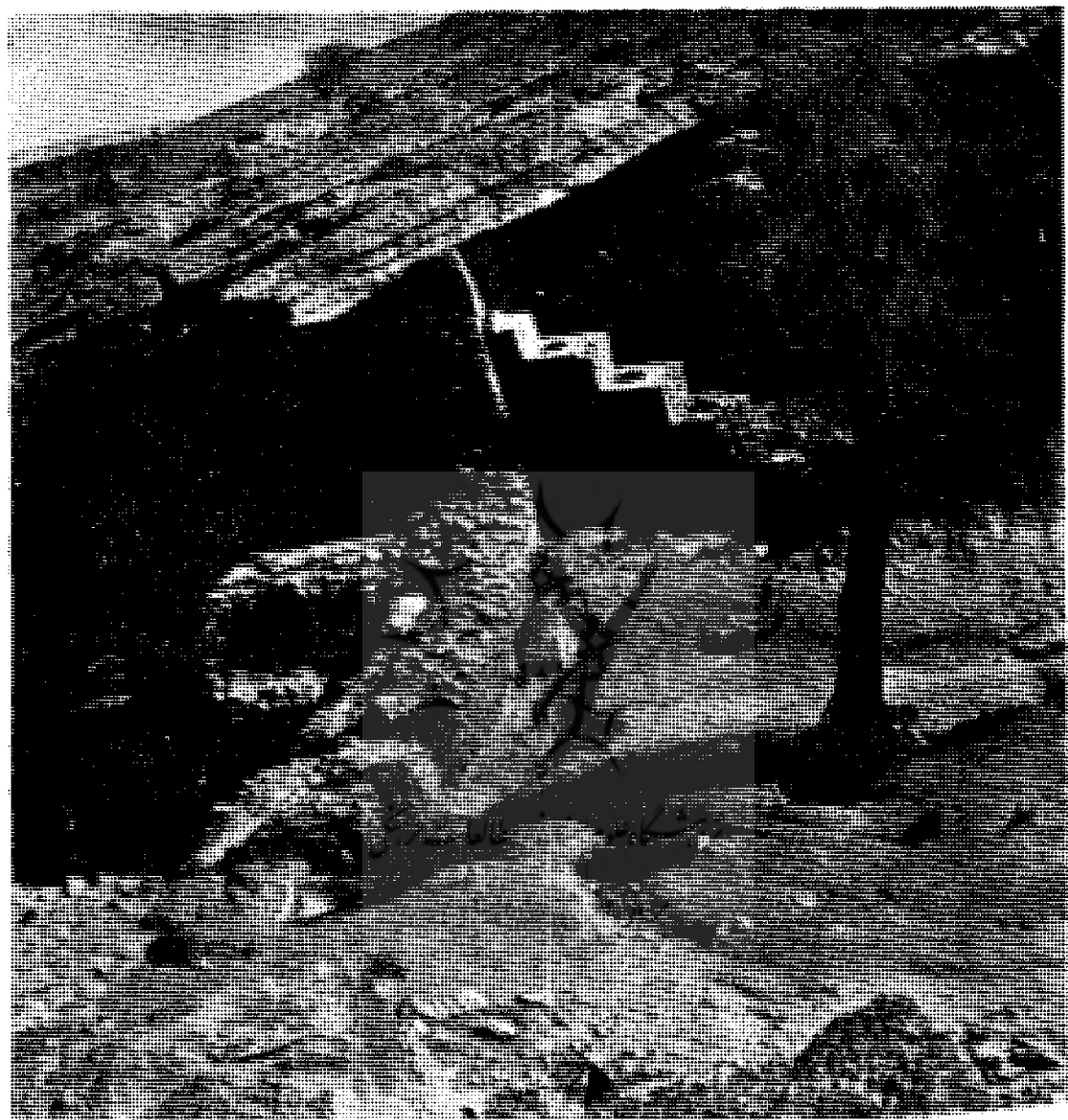
شکل ۱۰- رویه سد عظیم «دم» جزیره قشم از سوی باختر و نمایش پایه های قوی آن از سوی شمال (عکس از نگارنده)



شکل ۱۱- نمایش دیوار سد دم (جزیره قشم) از سوی خاور (عکس از نگارنده)



شکل ۱۲- نمایش پایه‌های سنگی و عظیم سد دم از جانب باختر (عکس از نگارنده)



شکل ۱۳- (سد دم) جزیره قشم از سوی باختر و مجرای خاوری و پایه های آن
(عکس از نگارنده)